موند تایمز

شماره ۳۴

مردم آمریکا علیه دیتاسنترها رای دادند!



در این شماره:

سناریوهای معاملاتی هفته

جاماندگی قیمت‌ها از چرخش سیاست پولی!

واگرایی تاریخی طلا و نفت

هفته منتهی به ۱۳ نوامبر

فهرست مطالب موند تایمز شماره ۳۴

سخن سردبیر

۰۱ **بازار در یک نگاه**
از جهش طلا تا سقوط نفت و فناوری

۰۲ **هفته در ۶۰ ثانیه**
پنج اتفاقی که مسیر بازار را عوض کرد

۰۳ **وضعیت بازار**
جابه‌جایی هوشمند، نه گریز محض

۰۴ **داستان اصلی هفته**
مردم آمریکا علیه دیتاسنترها رای دادند!

۰۵ **بازار چه چیزی را قیمت‌گذاری کرده؟**
جاماندگی قیمت‌ها از چرخش سیاست پولی!

۰۶ **نقشه ارتباط بازارها**
چهار حرکت، یک تصویر بزرگ‌تر

۰۷ **بیت‌کوین**
بیت‌کوین زیر فشار سه جبهه

۰۸ **ریسک ژئوپلیتیک**
مذاکره زیر سایه آتش

۰۹ **نقشه اقتصاد جهان**
پایان هم‌گرایی بانک‌های مرکزی

۱۰ **تحلیل تکنیکال**
طلا یورو/دلار نزدک بیتکوین

آموزش معامله‌گری

۱۱ **آموزش تکنیکال**
تله صعودی یا چرخش واقعی؟

۱۲ **آموزش فاندامنتال**
معمای اشتغال و سیگنال تورم!

۱۳ **ذهن معامله‌گر**
شوک ۶ درصدی؛ چرا نباید به مغز اعتماد کرد؟!

صنعت و فناوری

۱۴ **هوش مصنوعی روی ریل بدهی**

MondFx

۱۵ **ابزار هفته**
معرفی سرویس منتخب هفته

هفته پیش رو

۱۶ **تقویم اقتصادی**
هفته‌ای که تورم دوباره فرمان را می‌گیرد

۱۷ **نقشه سناریوهای هفته**
سه سناریویی که باید زیر نظر داشت

۱۸ **نمودار برتر هفته**
واگرایی تاریخی طلا و نفت؛ روایت یک نابرابری

بازارهای جهانی سوار بر موج آبی

هفته گذشته بازار فقط با یک خبر بزرگ روبه‌رو نشد؛ یک نتیجه سیاسی، چند روایت اقتصادی و سه تغییر جهت برق‌آسا در فاصله چند روز شکل گرفت.

پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای و تصاحب هر دو مجلس کنگره، نخستین موج بازقیمت‌گذاری را ایجاد کرد. دلار تضعیف شد، بازده اوراق پایین آمد، طلا دوباره صعود کرد، نفت برنت سقوط کرد و شاخص داو جونز در یک جلسه معاملاتی ۳ درصد جهش کرد. بازار در ابتدا روی کاهش عدم‌قطعیت سیاسی، احتمال بن‌بست بیشتر در واشنگتن و کاهش ریسک تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک حساب باز کرده بود.

اما این آرامش بازار فقط یک روز دوام آورد.

روز پنجشنبه، نگرانی درباره محدودیت توسعه دیتاسنترها روی ترس قدیمی‌تر بازار از هزینه‌های سرسام‌آور هوش مصنوعی (AI) سوار شد، شاخص نزدک حدود ۶.۴ درصد سقوط کرد و در این میان، حدود ۲.۵ تریلیون دلار از ارزش نزدک ۱۰۰ تبخیر شد.

روز جمعه نیز انتشار گزارش اشتغال (NFP) قوی‌تر از انتظار، دوباره روایت بازار را چرخاند. ایجاد ۱۶۵ هزار شغل جدید، تثبیت نرخ بیکاری در ۴.۱ درصد و رشد قوی دستمزدها، احتمال افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو (Fed) در نشست دسامبر را بالا برد و بخشی از ضعف دلار و بازده اوراق را معکوس کرد.

در میان این همه تغییرات متضاد، طلا یکی از جذاب‌ترین داستان‌های هفته بود. فلز زرد با وجود عقب‌نشینی پس از انتشار NFP، هفته را ۵.۲ درصد بالاتر به پایان رساند تا بهترین عملکرد هفتگی خود از ماه اوت را ثبت کند.

شماره ۳۴ موند تایمز درباره همین پیچ‌وخم‌ها و تغییرات سریع است:

> وقتی سیاست، تورم، ژئوپلیتیک و جریان سرمایه هم‌زمان روایت بازار را عوض می‌کنند، کدام حرکت صرفاً یک نوسان موقت است و کدام می‌تواند جرقه آغاز یک روند تازه باشد؟

با آرزوی موفقیت،

صباح نوین‌فر

سردبیر هفته‌نامه موند تایمز

از جهش طلا تا سقوط نفت و فناوری

بازارهای جهانی طی هفته گذشته مسیر واحدی را طی نکردند. نتایج انتخابات در ابتدا به نفع دارایی‌های ریسکی، طلا و ارزهای غیر دلاری تمام شد؛ در ادامه، موج فروش سهام فناوری بازار سرمایه را تحت فشار قرار داد و در نهایت، گزارش قدرتمند اشتغال بار دیگر شاخص دلار و بازده اوراق قرضه را تقویت کرد.

جدول تغییرات شاخص‌ها و دارایی‌ها

دارایی / شاخص	بسته شدن (جمعه)	عملکرد هفتگی
طلا	۴,۰۷۴.۳۶ دلار	+۵.۲٪
داوجونز	۵۱,۲۸۵.۷۳	-۰.۹٪
S&P 500	۷,۳۷۶.۸۶	-۲.۷٪
نزدک	۲۴,۵۷۹.۴۳	-۴.۹۷٪
نفت برنت	۹۸.۳۲ دلار	حدود -۱۳.۷۳٪
اوراق ده ساله آمریکا	حدود ۴.۸۶٪	افت هفتگی؛ تقویت در جمعه

خلاصه عملکرد بازارها

شاخص نزدک چهارمین هفته افت متوالی خود را ثبت کرد و بیش از ۱۰ درصد پایین‌تر از سقف ماه اکتبر قرار گرفت. شاخص داوجونز نیز هفته را در محدوده منفی به پایان رساند، اما افت ۰.۹ درصدی آن در مقایسه با نزدک نشان داد که فشار فروش به طور مساوی میان همه بخش‌های بازار توزیع نشده است.

در سوی دیگر، طلا با رشد ۵.۲ درصدی، بخش بزرگی از افت هفته قبل را جبران کرد؛ این در حالی است که نفت برنت با کاهش حدود ۱۳.۷۳ درصدی، شدیدترین افت هفتگی خود را از دوره آغاز همه‌گیری کرونا به ثبت رساند.

نمای کلیدی هفته

محرک اصلی:
ارزیابی مجدد سیاست‌های اقتصادی آمریکا

دارایی مقاوم:
طلا

بخش تحت فشار:
فناوری و هوش مصنوعی

بزرگ‌ترین تغییر:
تخلیه سریع پریمیوم ریسک جنگ از نفت

ریسک پنهان:
بازگشت تورم و نرخ بهره به مرکز توجه

نگاه موند تایمز

تحولات این هفته را نمی‌توان با رفتارهای ساده هیجانی توضیح داد. بازار در حال گردش سرمایه و تجدید ارزیابی قیمت‌ها بود: بخشی از سرمایه‌ها از معاملات پرریسک هوش مصنوعی فاصله گرفتند، طلا از تضعیف دلار و افت بازده اوراق بهره برد، نفت بخشی از صرف ریسک جنگ را از دست داد و در نهایت گزارش اشتغال، رویکرد سخت‌گیرانه در سیاست‌های پولی را تقویت کرد.

پنج اتفاقی که مسیر بازار را عوض کرد

۱. تغییر نقشه سیاسی در واشنگتن

پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای و کسب کنترل هر دو مجلس کنگره، ساختار قدرت را در واشنگتن بازطراحی کرد. بازار در نخستین واکنش، احتمال افزایش بن‌بست قانون‌گذاری، محدود شدن برخی سیاست‌های دولت و کاهش ریسک‌های سیاسی را قیمت‌گذاری کرد؛ تحولی که به افت شاخص دلار و بازده اوراق خزانه‌داری، کاهش قیمت نفت و رالی اولیه در بازارهای سهام انجامید.

۲. تداوم مبارزه بانک‌های مرکزی با تورم

بانک مرکزی استرالیا برای پنجمین بار در سال جاری نرخ بهره را افزایش داد و نرخ پایه را به ۴.۸۵ درصد رساند. هم‌زمان، بانک مرکزی انگلستان با اکثریت آرا (۸ به ۱) نرخ بهره را به ۴.۰۰ درصد رساند، در حالی که یکی از اعضا خواهان افزایش نیم درصدی بود. در حوزه یورو نیز رسیدن تورم اکتبر به ۴.۰ درصد و جهش ۲۰.۸ درصدی تورم بخش انرژی، فشار انقباضی را بالا نگه داشت.

۳. موج فروش سنگین در سهام فناوری

افت ۶.۴ درصدی شاخص نزدک در روز پنج‌شنبه، حدود ۲.۵ تریلیون دلار از ارزش بازار را از بین برد. اگرچه نتایج انتخابات کاتالیزور اولیه بود، اما ریشه اصلی فشار بر دوش دغدغه‌های ساختاری قرار داشت: هزینه‌های سرمایه‌ای سنگین در حوزه هوش مصنوعی، صعود بدهی‌ها، چالش‌های تأمین مالی، ضریب‌های ارزش‌گذاری بالا و تردید سرمایه‌گذاران درباره نرخ واقعی بازگشت سرمایه.

۴. بازگشت محوریت فدرال رزرو با شوک داده‌های اشتغال

گزارش اشتغال بخش غیرکشاورزی آمریکا با ثبت ۱۶۵ هزار شغل جدید در اکتبر، افت نرخ بیکاری به ۴.۱ درصد و رشد ۰.۴ درصدی دستمزد ماهانه، فراتر از انتظار ظاهر شد. بازبینی مثبت آمار ماه‌های اوت و سپتامبر (مجموعاً ۸۴ هزار شغل بالاتر) نیز احتمال اتخاذ تصمیمات سخت‌گیرانه‌تر توسط فدرال رزرو را بار دیگر به محور اصلی محاسبات بازار تبدیل کرد.

۵. واگرایی عمیق در بازار کالاها: جهش طلا در برابر سقوط نفت

طلا هفته را با رشد ۵.۲ درصدی به پایان رساند، در حالی که نفت برنت سقوط افت حدود ۱۷ درصدی را تجربه کرد. این واگرایی شفاف نشان داد که چطور کاهش بازده اوراق و تقاضای محافظه‌کارانه به نفع طلا تمام شد، اما بازگشت عرضه و تخلیه سریع صرف ریسک جنگ، قیمت نفت را پایین کشید.

نگاه موند تایمز

هفته گذشته اثبات کرد که بازارها می‌توانند در عرض چند ساعت از تنفس سیاسی به فروش اجباری و سپس قیمت‌گذاری سخت‌گیرانه کلان جابه‌جا شوند.

با عبور از هیجانات انتخاباتی، از این پس تنها سه متغیر سرنوشت روایت حاکم بر بازار را تعیین خواهند کرد: مسیر تورم، سیاست‌های پولی و قیمت انرژی.

جابه‌جایی هوشمند، نه گریز محض

اگر تنها به عملکرد شاخص نزدک نگاه کنیم، هفته گذشته مانند یک ریسک‌گریزی کلاسیک و تمام‌عیار به نظر می‌رسد.

اما بررسی رفتاری شاخص داو جونز، طلا، نفت، بازار ارز و اوراق قرضه، تصویر کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد.

روز چهارشنبه، پس از روشن شدن اولیه نتیجه انتخابات، شاخص داو جونز جهش ۳ درصدی را تجربه کرد؛ شاخص S&P ۵۰۰ حدود ۱.۶ درصد و نزدک کامپوزیت ۱.۴ درصد صعود کردند. بخش کالاهای مصرفی چرخه‌ای یکی از قوی‌ترین بخش‌ها بود، در حالی که بخش انرژی حدود ۴.۸ درصد افت کرد.

هم‌زمان شاخص دلار تضعیف شد، بازده اوراق قرضه پایین آمد و طلا از ضعف دلار حمایت گرفت. نفت نیز با افزایش احتمال کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک با ایران به‌شدت وارد فاز عرضه شد.

بنابراین، سرمایه صرفاً از کل بازار خارج نشد؛ بلکه میان بازارها و بخش‌های مختلف در حال جابه‌جایی و چرخش بود.

روز پنجشنبه اما شوک دوم وارد شد. تمامی بخش‌های شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ منفی شدند، اما فشار اصلی روی بخش فناوری قرار داشت: بخش Tech شاخص ۷.۳ درصد و شاخص نیمه‌هادی‌ها بیش از ۱۲ درصد سقوط کردند و نزدک رسماً وارد محدوده اصلاح شد.

سنتیمنت فعلی بازار

بازقیمت‌گذاری بین‌بازاری + چرخش سرمایه در سهام + نوسان‌پذیری بالا

این تعریف از رفتار فعلی بازار به‌مراتب دقیق‌تر از یک ریسک‌گریزی ساده است؛ چرا که در همان هفته:

طلا:	صعودی	↑
نفت:	سقوط شدید	↓ ↓ ↓
داو جونز:	مقاومت نسبی بیشتر در مقایسه با نزدک	
شاخص دلار:	در ابتدا افت و پس از NFP صعودی	↑
بازده اوراق:	در ابتدا افت و روز جمعه صعودی	↑

نگاه موند تایمز

بازار هفته گذشته از ریسک خارج نشد؛ بلکه جنس و نوع ریسک را تغییر داد.
فعالان بازار در ابتدا ریسک‌های سیاسی و جنگ را کاهش دادند، سپس ریسک زیرساخت‌های هوش مصنوعی (AI) را بالا بردند و در نهایت در انتهای هفته، دوباره ریسک تورم و تصمیمات فدرال رزرو را وارد محاسبات خود کردند.

مردم آمریکا علیه دیتاسنترها رای دادند!

صورت‌حساب جدید وال‌استریت



تا همین چند ماه پیش، نبرد بزرگ هوش مصنوعی پشت درهای بسته‌ی اتاق‌های هیئت‌مدیره جریان داشت؛ سر اینکه چه کسی پردازنده‌های گرافیکی (GPU) بیشتری می‌خرد، چه شرکتی دیتاسنترهای عظیم‌تری می‌سازد و کدام غول فناوری میلیاردها دلار زودتر به زیرساخت‌های هوش مصنوعی (AI) تزریق می‌کند.

اما هفته گذشته، این رقابت نفسی تازه کشید، از راهروهای وال‌استریت بیرون زد و درست وسط جایی فرود آمد که کمتر کسی تصورش را می‌کرد: صندوق‌های رأی.

در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، توسعه دیتاسنترها در ۱۰ ایالت مستقیماً به یک نبرد انتخابی داغ تبدیل شد. طبق داده‌های مؤسسه تحقیقاتی Redbud Consulting، از ۴۱ طرح مرتبطی که روی برگه‌های رای قرار گرفتند، ۴۰ طرح با رای قاطع مردم به دنبال محدود کردن، متوقف ساختن یا سخت‌تر کردن ضوابط توسعه دیتاسنترها بودند.

چرا مردم مقابل غول‌های فناوری ایستادند؟

مخالفت جوامع محلی الزاماً با اصل هوش مصنوعی نبود؛ بلکه با صورت‌حساب سنگین زیست‌محیطی و اقتصادی آن بود.

دیتاسنترهای غول‌پیکر برای زنده ماندن، حجم حیرت‌انگیزی از برق، آب و زمین را می‌بلعند. در ایالت‌های کلیدی، جهش مصرف انرژی، فشار سنگین بر شبکه برق، بلعیدن منابع آبی محلی، آلودگی صوتی ممتد و ترس از گران شدن قبوض برق خانگی، به خشم ملموس رأی‌دهندگان تبدیل شد.

این بحران به‌ویژه در ایالت‌هایی مثل تگزاس و جورجیا آتشین‌تر بود. نامزدهایی که شعار ترمز کشیدن بر توسعه بی‌رویه دیتاسنترها را سر دادند، در رقابت‌های مهم پیروز شدند. این در حالی است که تنها ایالت تگزاس طبق گزارش رویترز یک‌چهارم از کل ظرفیت برنامه‌ریزی‌شده دیتاسنترهای آمریکا تا سال ۲۰۳۰ را در خود جای داده است!

زلزله در وال‌استریت؛ صبح بعد از انتخابات

صبح روز بعد، موضوع دیگر یک دلخوری ساده در یک شورای شهر محلی نبود. وال‌استریت بیدار شد و با یک کابوس محاسباتی جدید روبه‌رو شد: اگر ساخت دیتاسنترها متوقف شود، تکلیف صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری سنگین در هوش مصنوعی چه می‌شود؟

پاسخ بازار سریع و بی‌رحمانه بود؛ سهام شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی و دیتاسنترها وارد یک موج فروش سنگین شدند. تسلط دموکرات‌ها بر هر دو مجلس کنگره و پیروزی نامزدهای منتقد فناوری در ایالت‌های کلیدی، یعنی خطوط لوله‌کشی مجوزها، تأمین انرژی و توسعه زیرساخت‌ها قرار است باریک‌تر و پرهزینه‌تر از همیشه شود.

البته انتخابات فقط کبریتی بر انبار باروت بود؛ آتش از قبل زبانه می‌کشید: کمبود شدید برق، عجز شبکه‌های انتقال، صعود هزینه تامین مالی و علامت سؤال‌های بزرگ درباره نرخ واقعی بازگشت سرمایه برای هزینه‌های سرمایه‌ای.

بخش تحلیل اقتصادی رویترز برآورد کرده ایالت‌هایی که فرمانداران منتخب آن‌ها وعده توقف یا محدود ساختن پروژه‌ها را داده‌اند، ۴۱ درصد از کل ظرفیت مزارع سرور آینده آمریکا را تشکیل می‌دهند. انتخابات ریسک تازه‌ای خلق نکرد؛ فقط روی ریسکی دست گذاشت که وال‌استریت مدتی بود ترجیح می‌داد چشم‌هایش را روی آن ببندد.

متغیر جدید: داستانی فراتر از شاخص نزدک

این اتفاق یک فرمول کاملاً تازه وارد معادلات دنیای فناوری کرد. تا امروز، سقف رشد هوش مصنوعی در سه چیز خلاصه می‌شد: تراشه، سرمایه و مدل‌های هوشمندتر. اما حالا یک متغیر سرنوشت‌ساز جدید وارد بازی شده است:

مجوز اجتماعی برای ساخت

ساده‌تر بگوییم: حتی اگر یک شرکت کوهی از پول، پیشرفته‌ترین تراشه‌ها و قوی‌ترین فناوری را داشته باشد، آیا جامعه محلی حاضر است برق، آب و زمینش را در اختیارش بگذارد؟

ترکش‌های این نبرد تازه فقط به انویدیا یا غول‌های ابری اصابت نمی‌کند؛ بلکه مستقیماً به شرکت‌های برق و نیروگاهی، سازندگان تجهیزات شبکه، بازار اوراق قرضه و حتی قیمت جهانی انرژی اصابت خواهد کرد.

آمارها سخن می‌گویند

۱۰ ایالت:

برگزاری رأی‌گیری مستقیم درباره ضوابط توسعه دیتاسنترها

۴۰ از ۴۱ طرح:

رای قاطع مردم به محدودسازی و توقف پروژه‌ها

۴۱ درصد ظرفیت:

سهم ایالت‌های منتقد از کل مزارع سرور آینده آمریکا

نگاه موند تایمز

ورود هوش مصنوعی به دنیای واقعی

شاید مهم‌ترین اتفاق در حوزه هوش مصنوعی در هفته گذشته، نه معرفی یک مدل زبانی جدید بود و نه گزارش درآمدی یک غول فناوری؛ برای اولین بار، هزینه واقعی و ملموس توسعه هوش مصنوعی به موضوعی تبدیل شد که مردم عادی پای صندوق‌های رأی درباره آن تصمیم گرفتند.

اگر این روند تداوم یابد، مرحله بعدی رقابت در صنعت هوش مصنوعی فقط درباره این نخواهد بود که چه کسی سرمایه بیشتری دارد، بلکه پرسش تعیین‌کننده این است: چه کسی اجازه قانونی و اجتماعی دارد که آن سرمایه را به دیتاسنتر تبدیل کند؟

جاماندگی قیمت‌ها از چرخش سیاست پولی!

تا روز پنجشنبه، بخش مهمی از بازار روی یک سناریوی نسبتاً مطلوب و هموار حساب باز کرده بود:

نفت پایین‌تر ← **فشار تورمی کمتر** ← **افت بازده اوراق** ← **فضای تنفس بیشتر برای فدرال رزرو**

اما گزارش اشتغال بخش غیرکشاورزی (NFP) در روز جمعه این زنجیره منطقی را مستقیماً به چالش کشید.

اقتصاد آمریکا در ماه اکتبر ۱۶۵ هزار شغل جدید ایجاد کرد که بسیار بالاتر از پیش‌بینی‌ها بود. نرخ بیکاری به ۴.۱ درصد کاهش یافت و رشد دستمزدها نیز کماکان قوی باقی ماند.

در نتیجه این آمار، احتمال افزایش ۲۵ نقطه پایه‌ای (۲۵bp) نرخ بهره توسط فدرال رزرو در نشست دسامبر، از حدود ۷۰ درصد به محدوده ۷۸ تا ۸۱ درصد جهش کرد.

به دنبال این گزارش، بازده اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری دوباره به حوالی ۴.۸۶ درصد برگشت و شاخص دلار در برابر ارزهای اصلی تقویت شد. طلا نیز پس از انتشار NFP بیش از ۱ درصد افت درون‌روزی را ثبت کرد؛ هرچند توانست بخش بزرگی از رشد هفتگی خود را حفظ کند.

تناقض بزرگ در معادلات بازار

بازار در حال حاضر با دو نیروی کاملاً مخالف و درگیر روبه‌روست:

سقوط شدید نفت:
که می‌تواند فشار تورمی آینده را تا حد زیادی فروکش کند.

بازار کار قوی:
که به فدرال رزرو دست بالا را می‌دهد تا در برابر تورم صبورتر، سخت‌گیرتر و انقباضی‌تر بماند.

همین تضاد ساختاری، انتشار آمار تورم (CPI) در هفته جدید را به سرنوشت‌سازترین رویداد معاملاتی تبدیل می‌کند.

نگاه موند تایمز

گزارش NFP نشان داد که اقتصاد آمریکا همچنان ظرفیت و توان تحمل نرخ‌های بهره بالاتر را دارد. اگر داده‌های CPI نیز بالاتر از حد انتظار منتشر شوند، سناریوی افزایش نرخ بهره در دسامبر با جدیت بسیار بیشتری وارد قیمت‌ها خواهد شد.

اما در سمت مقابل، اگر آمار تورم ضعیف‌تر از پیش‌بینی‌ها باشد، سقوط سنگین قیمت نفت می‌تواند دوباره به تیتر اصلی روایت بازار تبدیل شود و بخشی از قیمت‌گذاری انقباضی ایجاد شده پس از NFP را سریعاً تخلیه کند.

برای طلا دقیقاً همین دوگانه تعیین‌کننده خواهد بود:

ضعف دلار و افت بازده اوراق ← محرک صعودی و حمایتی

فدرال رزرو انقباضی و افزایش بازده اوراق ← عامل فشار و عرضه

چهار حرکت، یک تصویر بزرگ‌تر

هفته گذشته چند بازار کلیدی در جهت‌های متفاوتی حرکت کردند، اما با متصل کردن نقاط به یکدیگر، تصویر کلان کاملاً پیوسته و شفاف می‌شود:

تحولات با انتخابات آمریکا آغاز شد؛ پیروزی دموکرات‌ها و کاهش عدم‌قطعیت‌های سیاسی، افت شاخص دلار (USD) و بازده اوراق خزانه‌داری را رقم زد که این امر مستقیماً موج صعودی طلا و تقویت ارزهای اصلی را کلید زد.

هم‌زمان در بازار نفت، ترکیب افزایش عرضه و گمانه‌زنی‌ها مبنی بر کاهش تنش‌ها میان ایران و آمریکا، به سقوط شدید نفت برنت انجامید و فشارهای تورمی بخش انرژی را تعدیل کرد.

در سوی دیگر، سهام فناوری مسیر متفاوتی را پیمود؛ دغدغه‌ها درباره هزینه‌های سنگین هوش مصنوعی (AI)، چالش‌های توسعه دیتاسنترها و ابهام در نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری (ROI)، موج فروش سنگینی را در این حوزه ایجاد کرد و شاخص نزدک را وارد افت شدیدی ساخت.

در نهایت، گزارش اشتغال بخش غیرکشاورزی (NFP) معادله پایانی را رقم زد؛ آمار قوی‌تر از انتظار اشتغال، شانس اقدام انقباضی فدرال رزرو (Fed) در نشست دسامبر را بالا برد تا با رشد مجدد دلار و بازده اوراق، طلا و سهام تحت فشار نزولی کوتاه‌مدت قرار گیرند.

نگاه موند تایمز

نکته اصلی تحولات این هفته را می‌توان در یک زنجیره پیوسته خلاصه کرد: نتایج انتخابات با عقب راندن دلار و بازده اوراق به تقویت طلا کمک کرد و ریزش قیمت نفت از فشار تورمی ساختاری کاست، اما شوک داده‌های اشتغال (NFP) در پایان هفته بخشی از این مسیر را معکوس کرد؛ در این میان، شاخص نزدک بیشتر از سایر بخش‌های بازار، تاوان چالش‌های درون‌صنعتی حوزه فناوری و هوش مصنوعی را داد.

بیت‌کوین زیر فشار سه جبهه

بیت‌کوین هفته گذشته فقط با یک مشکل ساده روبه‌رو نبود، بلکه بازار هم‌زمان سه ریسک کاملاً متفاوت را قیمت‌گذاری می‌کرد: سیاست، امنیت و خروج سرمایه نهادی.

همین ترکیبِ فشارها باعث شد روند بهبود بیت‌کوین پس از ریزش سنگین اواخر اکتبر، همچنان شکننده و پرتوهم باقی بماند.

جبهه اول | تغییر موازنه سیاسی در واشنگتن

پیروزی دموکرات‌ها در هر دو مجلس کنگره، چشم‌انداز سیاست‌گذاری بازار کریپتو در آمریکا را دگرگون کرد.

صنعت ارزهای دیجیتال در جریان این انتخابات صدها میلیون دلار برای حمایت از نامزدهای حامی کریپتو هزینه کرده بود؛ اما یکی از تلخ‌ترین شکست‌ها در ایالت اوهایو رقم خورد؛ جایی که شرود براون، منتقد سرسخت و شناخته‌شده کریپتو، با وجود تزریق بیش از ۶۰ میلیون دلار از سوی لابی‌های حامی صنعت برای شکست دادن او، توانست کرسی خود را حفظ کند.

تسلط دوباره دموکرات‌ها بر کنگره به این معناست که مسیر تصویب قوانین دوستدار کریپتو دشوارتر شده و احتمال تشدید نظارت‌ها و فشارهای رگولاتوری روی صرافی‌ها و پروژه‌ها افزایش یافته است. بازار این پیام را سریع هضم کرد: بیت‌کوین پس از انتخابات یک جهش کوتاه‌مدت ثبت کرد، اما توان ادامه این مسیر را نداشت.

جبهه دوم | زخمِ عمیقِ هک بایننس

خبر هک ۶.۳ میلیارد دلاری صرافی بایننس، تنها یک خبر حاشیه‌ای نبود. پس از باز شدن دوباره بخش برداشت‌ها، کاربران بایننس در مجموع حدود ۴.۷۲ میلیارد دلار خروج خالص سرمایه ثبت کردند. بایننس اعلام کرد این رقم حدود ۳ درصد از کل دارایی‌های پلتفرم بوده و پس از آن حدود ۲.۷ میلیارد دلار دوباره به صرافی بازگشته است.

این جابه‌جایی یک نکته کلیدی دارد:

بخشی از این خروج‌ها لزوماً به معنای فروش قطعی بیت‌کوین و تبدیل آن به پول نقد نبود؛ بلکه کاربران برای امنیت بیشتر، دارایی‌های خود را به کیف‌پول‌های شخصی یا سایر صرافی‌ها منتقل کردند.

اما پیام رفتاری بازار کاملاً شفاف بود: ریسک طرف مقابل دوباره به دغدغه اول معامله‌گران تبدیل شد.



جبهه سوم | رکود و سردی در ETFهای اسپات

صندوق‌های قابل‌معامله بورسی بیت‌کوین در آمریکا نیز هفته‌ای خسته‌کننده و منفی را پشت سر گذاشتند.

به‌جز روز چهارشنبه که جریان خالص ورودی ثبت شد، در روزهای پنجشنبه و جمعه خروج سرمایه سنگینی به ثبت رسید: ۴۳۰.۲ میلیون دلار خروج در پنجشنبه و ۴۱۱.۹ میلیون دلار خروج در جمعه. در مجموع، جریان خالص خروج سرمایه از این صندوق‌ها طی بازه ۲ تا ۶ نوامبر به حدود ۱.۲۸ میلیارد دلار رسید.

این داده از این جهت حیاتی است که شکل‌گیری یک روند صعودی پایدار در بیت‌کوین، معمولاً زمانی قابل‌اتکا می‌شود که قیمت و ورود پول نهادی هم‌زمان با هم رشد کنند؛ هماهنگی که هفته گذشته اصلاً دیده نشد.

تصویر بزرگ‌تر بازار

بیت‌کوین در میانه‌های هفته حوالی محدوده ۷۸ هزار دلار معامله می‌شد و هنوز حدود ۴۱ درصد پایین‌تر از سقف تاریخی ۱۲۲ هزار دلاری ثبت‌شده در اکتبر ۲۰۲۵ قرار داشت. ارزش کل بازار کریپتو نیز طی یک ماه گذشته نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار آب رفته است.

بنابراین، فشار فعلی صرفاً یک اصلاح یا ریزش تکنیکال ساده نیست؛ بازار دارد هم‌زمان سه مؤلفه کلیدی را بازقیمت‌گذاری می‌کند: قوانین و رگولیشن کریپتو، امنیت صرافی‌ها و زیرساخت‌ها و تقاضای واقعی نهادی

چه عواملی می‌توانند این تصویر را تغییر دهند؟

برای اینکه روند صعودی بیت‌کوین اعتبار و عمق پیدا کند، سه علامت حیاتی باید روی تابلو دیده شود:

بازگشت جریان مثبت به ETFها:

نه فقط برای یک روز، بلکه استمرار ورود سرمایه طی چند جلسه متوالی.

کاهش جریان خروج از صرافی‌ها:

به‌ویژه بازگشت کامل اعتماد کاربران به بایننس و سایر صرافی‌های متمرکز (CEX).

واکنش مثبت قیمت به اخبار منفی:

اگر بیت‌کوین با وجود شنیدن اخبار ناخوشایند دیگر کف‌های پایین‌تر نسازد، این یعنی فشار فروش تخلیه شده است.

نگاه موند تایمز

بیت‌کوین در حال حاضر فقط یک نمودارِ قیمت نیست. اعتماد به پلتفرم‌های معاملاتی، جهت‌گیری سیاسی واقعه‌محور در آمریکا و رفتار سرمایه‌گذاران حقوقی، همگی به اجزای اصلی ساختار قیمت تبدیل شده‌اند. برای یک بازگشت پرقدرت و پایدار، سبز شدن چند کندل روی چارت به تنهایی کافی نیست؛ پولِ هوشمند و اعتمادِ ازدست‌رفته هم باید به بازار برگردند.

مذاکره زیر سایه آتش

در ظاهر، هفته گذشته امید به کاهش تنش میان ایران و آمریکا یکی از عوامل اصلی سقوط سنگین قیمت نفت بود. اما در آخر هفته، تصویر واقعی بار دیگر پیچیده و نگران‌کننده شد.

قطر اعلام کرده است که میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن برای جلوگیری از تشدید بحران ادامه دارد؛ اما هم‌زمان آمریکا فشار نظامی و اقتصادی خود را به اوج رسانده است.

روز شنبه، فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد یک هواپیمای نظامی این کشور به یک کشتی تجاری با پرچم سنت‌کیتس در خلیج عمان حمله کرده و آن را از حرکت انداخته است. به گفته سنتکام، این کشتی پس از بازدید از یک بندر ایرانی، تلاش کرده بود محاصره دریایی آمریکا را دور بزند.

در همان روز، آمریکا از تشکیل واحد ویژه Task Force Iron Gate خبر داد؛ واحدی که هدف آن محدود ساختن انتقال سلاح، فناوری‌های دوکاربردی و درآمدهای تحریمی ایران از مسیرهای زمینی و دریای خزر است. سنتکام مدعی است محاصره دریایی تاکنون بیش از ۲۵ میلیارد دلار از صادرات نفت ایران را متوقف کرده است.

هم‌زمان، گزارش‌هایی از وقوع انفجار در جنوب ایران، از جمله جزیره قشم و بندر جاسک، منتشر شد. نیروی دریایی سپاه نیز از آتش‌گرفتن دو نفتکش پس از برخورد با مین خبر داد؛ هرچند ارتباط مستقیم میان حوادث زمینی و خطوط دریایی هنوز رسماً مشخص نشده است.

واکنش بازارهای منطقه‌ای بسیار سریع بود: شاخص بورس عربستان در روز یکشنبه حدود ۱ درصد و بازار قطر ۱.۳ درصد افت کردند.

چرا این موضوع برای بازار حیاتی است؟

نفت برنت هفته گذشته حدود ۱۷ درصد سقوط کرد، زیرا بازار بخشی از احتمال توافق و کاهش تنش را پیش‌خور کرده بود.

اما اگر درگیری‌ها دوباره تشدید شود، همان پریمیوم جنگی که طی چند روز از قیمت نفت تخلیه شد، می‌تواند با سرعتی به‌مراتب بالاتر به بازار برگردد و جهش دوباره قیمت انرژی را رقم بزند.

نگاه موند تایمز

ریسک فعلی بازار دقیقاً در همین پارادوکس نهفته است: مذاکرات دیپلماتیک روی کاغذ ادامه دارد، اما فشار نظامی در فاز عملیاتی شدیدتر شده است.

تا زمانی که کاهش تنش در جریان واقعی صادرات نفت و امنیت مسیرهای کشتیرانی مشاهده نشود، معامله‌گران نباید افت اخیر قیمت انرژی را به معنای پایان ریسک‌های ژئوپلیتیک تلقی کنند.

پایان هم‌گرایی بانک‌های مرکزی

هفته گذشته یکی از واضح‌ترین نمونه‌های واگرایی سیاست‌های پولی را در سطح بین‌المللی شاهد بودیم.

در حالی که برخی از بانک‌های مرکزی همچنان نرخ‌های بهره را برای مهار تورم بالا می‌برند، برخی دیگر دست نگه داشته‌اند و گروهی حتی وارد مسیر کاهش نرخ‌ها شده‌اند.

اقتصاد	نرخ سیاستی	آخرین تصمیم
استرالیا (RBA)	۴.۸۵٪	+۲۵ پایه (۲۵bp)
بریتانیا (BoE)	۴.۰۰٪	+۲۵ پایه (۲۵bp)
آمریکا (Fed)	۴.۰۰٪ ▯ ۳.۷۵٪	بدون تغییر
منطقه یورو (ECB)	۲.۵۰٪	بدون تغییر
برزیل (BCB)	۱۳.۷۵٪	بدون تغییر
مکزیک (Banxico)	۶.۲۵٪	-۲۵ پایه (۲۵bp)

بانک مرکزی استرالیا نرخ بهره را به ۴.۸۵ درصد رساند و تأکید کرد تورم همچنان بیش از حد بالاست و بازگشت آن به میانه محدوده هدف ۲ تا ۳ درصدی احتمالاً تا میانه سال ۲۰۲۸ زمان خواهد برد.

بانک مرکزی بریتانیا نیز با رای اکثریت ۸ به ۱ نرخ بهره را به ۴.۰۰ درصد افزایش داد؛ حتی یکی از اعضا خواهان افزایش ۵۰ پایه (۵۰bp) بود. این بانک انتظار دارد تورم بریتانیا تا میانه سال ۲۰۲۷ به حوالی ۵ درصد برسد.

در آمریکا، فدرال رزرو نرخ بهره را در محدوده ۳.۷۵ تا ۴.۰۰ درصد نگه داشت، اگرچه دو عضو خواهان افزایش ۲۵ پایه‌ای بودند. بانک مرکزی اروپا (ECB) نیز نرخ سپرده را روی ۲.۵۰ درصد ثابت حفظ کرد.

در سوی دیگر نقشه، بانک مرکزی مکزیک برخلاف انتظار بازار، نرخ بهره را با کاهش ۲۵ پایه‌ای به ۶.۲۵ درصد رساند؛ تصمیمی که جذابیت معاملات کری ترید پزو را کاهش داد. برزیل نیز نرخ بهره هدف را روی ۱۳.۷۵ درصد ثابت نگه داشت.

چرا این نقشه برای معامله‌گران فارکس حیاتی است؟

ارزش یک ارز فقط به این بستگی ندارد که بانک مرکزی آن کشور نرخ بهره را بالا می‌برد یا پایین؛
آنچه اهمیت بنیادین دارد، دیفرانسیل یا اختلاف مسیر نرخ‌ها است.
اگر یک بانک مرکزی همچنان به سیاست‌های انقباضی ادامه دهد و دیگری وارد فاز تسهیل شود، این اختلاف دیفرانسیل می‌تواند مسیر جریان سرمایه بین‌المللی و معاملات کری‌ترید را کاملاً دستخوش تغییر کند.

نگاه موند تایمز

پس از چند سال که تقریباً تمام بانک‌های مرکزی جهان با یک مشکل مشترک و سراسری (موج تورم پست‌کرونا) مبارزه می‌کردند، سیاست‌های پولی بار دیگر در حال واگرا شدن و جدایی هستند.
برای معامله‌گر جفت‌ارزها (FX)، این یعنی تحلیل GBP/USD، EUR/USD و AUD/USD بدون مقایسه هم‌زمان و دقیق مسیر دو بانک مرکزی، تصویری ناقص و گمراه‌کننده ارائه می‌دهد.

پوشش زیان معاملات

تا سقف ٪۹۰

با بیمه حساب MondShield



فعال‌سازی بیمه حساب MondShield

کلیک کنید

طلا / XAUUSD



طلا پس از بازگشت قدرتمند از کف ۳,۸۷۰ دلار و ثبت رالی تا ۴,۱۴۶ دلار، وارد فاز استراحت شده است. با توجه به شکست قبلی سطوح ۴,۰۸۳ و ۴,۱۵۰ دلار، در تایم‌فریم‌های بالاتر انتظار می‌رود قیمت در نهایت به سمت اهداف بالاتر در محدوده ۴,۲۴۰ تا ۴,۲۵۰ دلار حرکت کند.

اما در کوتاه‌مدت، بازار میان سناریوی اصلاحی عمیق‌تر و شروع زودهنگام موج صعودی بعدی در فاز تصمیم‌گیری قرار دارد.

سناریوی اصلی کوتاه‌مدت (اصلاح پیش از صعود)

در شرایط فعلی، انتظار می‌رود قیمت در تایم‌فریم‌های پایین‌تر ابتدا از محدوده فعلی وارد فاز اصلاحی شده و برای جمع‌آوری نقدینگی به سمت سطوح حمایتی پایین‌تر عقب‌نشینی کند:

حمایت اول (هدف اصلاحی اولیه): محدوده ۳,۹۳۰ دلار

حمایت دوم (هدف اصلاحی عمیق‌تر): محدوده ۳,۸۹۰ دلار

سناریوی جایگزین (تثبیت بالای سطح کلیدی)

در صورتی که خریداران قدرت‌نمایی کرده و سطح ۴,۱۰۵ دلار را با قدرت به سمت بالا بشکنند:

فاز اصلاحی کوتاه‌مدت ملغی شده و قیمت حرکت صعودی اصلی خود را از سر خواهد گرفت.

هدف صعودی اولیه: محدوده ۴,۲۳۵ دلار (و سپس ۴,۲۵۰ دلار)

اهداف و نواحی کلیدی طلا

محدوده‌های مقاومت و اهداف صعودی: ۴,۲۳۵ دلار | ۴,۲۵۰ دلار | ۴,۴۵۰ دلار | ۴,۵۱۰ دلار

محدوده‌های حمایت اصلاحی: ۳,۹۳۰ دلار | ۳,۸۹۰ دلار

نگاه موند تایمز

در حال حاضر کلید اصلی برای تصمیم‌گیری معامله‌گران کوتاه‌مدت، رصد دقیق رفتار قیمت در برخورد با سطح ۴,۱۰۵ دلار است. شکست این سطح به معنای شروع مستقیم موج صعودی بعدی به سمت ۴,۲۳۵ـ۴,۲۵۰ دلار خواهد بود؛ در غیر این صورت، شانس اصلاح قیمت به سمت ۳,۹۳۰ و ۳,۸۹۰ دلار برای ورود خریداران جدید در قیمت‌های مناسب‌تر بیشتر است.

یورو/ EURUSD



پس از نوسانات پرهیجان هفته گذشته و عقب‌نشینی قیمت تحت تأثیر گزارش قدرتمند اشتغال (NFP)، اکنون یورو در نقطه‌ای حساس قرار دارد. ارزیابی ساختار فعلی نشان می‌دهد که می‌توان سناریوهای معاملاتی زیر را زیر نظر داشت:

سناریوی صعودی و اهداف پیش‌رو

پتانسیل خرید از سطوح فعلی: با توجه به ساختار قیمت، می‌توان از نواحی کنونی انتظار حمایت خریداران و تلاش برای صعود به سمت اهداف بالاتر را داشت.

مقاومت کلیدی اول: محدوده ۱.۱۴۱۰۰؛ مرز بسیار مهمی که در صورت شکست معتبر و تثبیت بالای آن، مسیر رشد قیمت تا هدف بزرگ‌تر در محدوده ۱.۱۶۰۰ کاملاً هموار خواهد شد.

سناریوی نزولی و سطوح حمایت

خط قرمز نزولی (شکست ۱.۱۱۴۰۶): اگر فروشندگان موفق شوند سطح کلیدی ۱.۱۱۴۰۶ را به سمت پایین بشکنند، گارد نزولی بازار فعال شده و قیمت می‌تواند برای تست حمایت‌های عمیق‌تر به سمت اهداف زیر عقب‌نشینی کند:

تارگت اول نزولی: ۱.۱۰۶۹۶ دلار

تارگت دوم نزولی (حمایت ساختاری قوی): ۱.۰۷۳۴ دلار

نگاه موند تایمز

یورو در حال حاضر روی لبه یک تصمیم بزرگ میان ادامه موج صعودی تا اهداف بالاتر ۱.۱۶۰۰ یا سقوط به سمت حمایت‌های عمیق ۱.۰۷۳۴ حرکت می‌کند. رصد واکنش قیمت در برخورد با مرز حساس ۱.۱۱۴۰۶ کلید اصلی تشخیص جهتِ موج بعدی بازار خواهد بود.

نزدک/ NAS 100



شاخص نزدک ۱۰۰ روزهای پرنوسانی را پشت سر می‌گذارد و احتمال تداوم روند نزولی آن تا پیش از آغاز سال میلادی جدید بسیار محتمل است. با این حال، رفتار قیمت در حال حاضر روی لبه تیغ میان حمایت‌های کلیدی و مقاومت‌های مهم در نوسان است.

سناریوی نزولی

اگر شاخص بتواند زیر محدوده ۲۶,۲۵۰ تا ۲۶,۲۹۳ تثبیت دهد، برگشت‌های قیمتی به سمت بالا بهترین فرصت برای ورود به پوزیشن‌های فروش با اهداف زیر خواهند بود:

تارگت اول: ۲۴,۰۰۰ دلار

تارگت دوم: ۲۲,۲۸۰ دلار

سناریوی صعودی

در سناریوی مقابل، اگر خریداران موفق شوند در تایم‌فریم ۴ ساعته سقف مهم ۲۸,۵۶۰ تا ۲۸,۷۵۰ را بشکنند و تثبیت بدهند، مسیر حرکت شاخص تا نواحی بالاتر یعنی ۳۰,۵۰۰ دلار هموار خواهد شد.

نقشه سطوح کلیدی شاخص

حمایت اول: ۲۶,۹۸۰ دلار	مقاومت اول: ۲۸,۰۵۰ تا ۲۸,۱۰۰ دلار
حمایت حیاتی و تعیین‌کننده: ۲۶,۲۵۰ تا ۲۶,۶۰۰ دلار	مقاومت اصلی: ۲۸,۵۶۰ تا ۲۸,۷۵۰ دلار

نگاه موندتایمز

محدوده ۲۶,۹۸۰ تا ۲۶,۲۵۰ دلار سنگر دفاعی اصلی خریداران است؛ حفظ این ناحیه می‌تواند بستر یک رالی ضد روند به سمت ۲۸,۱۰۰ و ۲۸,۷۵۰ دلار را فراهم کند. اما تا زمانی که نزدک نتواند مقاومت ۲۸,۷۵۰ را پس بگیرد، هر صعودی تنها یک بازیابی موقت به حساب می‌آید و بسته‌شدن معتبر زیر ۲۶,۲۵۰ دلار، زنگ خطر اصلاح عمیق‌تر را به صدا در خواهد آورد.

بیت‌کوین (BTC/USD)



بیت‌کوین (Bitcoin) در معاملات روز جمعه تا زیر مرز روانی ۷۵ هزار دلار نفوذ کرد هرچند خریداران موفق شدند قیمت را بالای مرز ۷۵k حفظ کنند. با این حال، ارزیابی ساختار و جریان سفارش‌ها نشان می‌دهد که مومنتوم کوتاه‌مدت همچنان در اختیار فروشندگان است و سناریوی ریزش سنگین‌تر از همین ناحیه تا اهداف کلان مانند ۴۹,۵۰۰ دلار بسیار محتمل و قوی است.

سطوح حمایتی

حمایت اول: محدوده ۷۴,۸۰۰ تا ۷۵,۰۰۰ دلار (حفظ این مرز روانی برای مانع شدن از موج جدید فروش ضروری است).

حمایت دوم: ۶۷,۳۹۷ دلار (دفاع خریداران در این زون تعیین‌کننده جهت میان‌مدت خواهد بود).

حمایت سوم: ۶۲,۷۲۲ دلار (از دست رفتن این سطح، مسیر را برای گپ‌ها و اهداف عمیق‌تر هموار می‌سازد).

تارگت عمیق نزولی: ۴۹,۵۰۰ دلار (سطح ابطال کامل رالی صعودی کلان و هدف نهایی سناریوی نزولی).

سطوح مقاومتی

مقاومت اول: محدوده ۸۰,۵۰۰ تا ۸۱,۲۲۷ دلار (اولین سد خریداران برای کاهش فشار فروش).

مقاومت اصلی و کلیدی: محدوده ۸۶,۶۱۴ تا ۸۷,۴۲۵ دلار (تثبیت بالای این ناحیه برای تغییر کامل ساختار به صعودی الزامی است).

نگاه موندتایمز

تا زمانی که بیت‌کوین بالای این سطوح حمایتی معامله می‌شود، نوسانات فعلی بیشتر جنبه اصلاحی و بازتعریف محدوده رنج را دارند. با این حال، تا پیش از غلبه خریداران بر مقاومت ۸۰,۵۰۰ تا ۸۱,۲۲۷ دلار، ریسک فعال‌شدن موج‌های نزولی جدید و تست حمایت‌های پایین‌تر همچنان بالاست.

تله صعودی یا چرخش واقعی؟



پس از یک ریزش سنگین، اولین موج صعودی بازار مثل آب روی آتش است؛ کندل‌های سبز ردیف می‌شوند و این تصور شکل می‌گیرد که کف بازار پیدا شد. اما حقیقت پرایس اکشن این است که بسیاری از این صعودهای سریع، چیزی بیشتر از یک اصلاح صعودی در دل روند نزولی نیستند.

برای اینکه در دام نقدینگی‌های فیک نیفتید، به جای درصد رشد قیمت، ساختار بازار را بررسی کنید:

۴ نشانه کلیدی برای تشخیص تغییر روند

۱. شکست آخرین سقف پایین‌تر (Lower High):

در روند نزولی، بازار مدام سقف‌های پایین‌تر می‌سازد. تا وقتی قیمت نتواند آخرین سقف مهم را بشکند و بالای آن تثبیت شود، صعود فعلی فقط یک نوسان موقت است.

۲. معتبر بودن شکست مقاومت:

عبور لحظه‌ای و شادو زدن قیمت بالای سطح کلیدی کافی نیست. قیمت باید با بدنه کندل بالای مقاومت بسته شود و در پولبک بعدی، روی همان سطح بماند. بازگشت سریع به زیر مقاومت یعنی شکست فیک بوده است.

۳. تشکیل کف بالاتر (Higher Low):

اگر اصلاح بعدی قیمت، بالاتر از کف قبلی متوقف شود، یعنی فروشندگان دیگر زور ندارند قیمت را به کف قبلی برگردانند؛ این اولین نشانه جدی تغییر قدرت است.

۴. تاییدیه حجم و مومنتوم:

برگشت واقعی با یک کندل اتفاق نمی‌افتد؛ تداوم قدرت خریداران و حجم معاملات در کندل‌های بعدی ضروری است.

پازل طلایی تغییر روند

تکمیل این زنجیره برای اطمینان از پایان روند نزولی لازم است:

کف جدید ← صعود قیمت ← شکست آخرین سقف پایین‌تر ← پولبک و تست موفق مقاومت ← ساخت کف بالاتر

تا زمانی که این پازل کامل نشده، خرید در بازار ریسک بسیار بالایی دارد.

نگاه موند تایمز

معامله‌گر حرفه‌ای بعد از ریزش بازار نمی‌پذیرد که قیمت چقدر بالا آمده؟؛ بلکه می‌پرسد: آیا ساختار بازار واقعاً عوض شده است؟

تا وقتی سقف‌های قبلی نشکسته‌اند و کف بالاتری ساخته نشده، این صعودها را فقط یک فرصت برای تنفس بازار بدانید، نه شروع رالی صعودی.

معمای اشتغال و سیگنال تورم!

گزارش اشتغال اکتبر آمریکا یک پیام روشن داشت: بازار کار هنوز ضعیف نشده است.

اقتصاد آمریکا ۱۶۵K شغل جدید ایجاد کرد، نرخ بیکاری به ۴.۱٪ رسید و رشد دستمزدها نیز قوی باقی ماند. واکنش بازار سریع بود؛ احتمال افزایش دوباره نرخ Fed در دسامبر بالا رفت و دلار و بازده اوراق تقویت شدند.

اما یک NFP قوی به‌تنهایی برای تصمیم Fed کافی نیست.

فدرال رزرو دو هدف اصلی دارد: ثبات قیمت‌ها و اشتغال حداکثری. وقتی بازار کار قوی باقی می‌ماند، Fed فضای بیشتری برای مقابله با تورم دارد؛ چون افزایش نرخ در چنین شرایطی احتمالاً آسیب فوری کمتری به اشتغال وارد می‌کند.

اینجاست که CPI اهمیت پیدا می‌کند.

دو سناریوی اصلی پس از انتشار تورم

اگر تورم بالاتر از انتظار بیاید:

وقتی آمار اشتغال قوی با یک گزارش تورمی داغ همراه شود، بازار به این نتیجه می‌رسد که اقتصاد بیش از حد داغ است و مهار آن به ابزارهای خشن‌تری نیاز دارد.

پیامد: بالا رفتن احتمال افزایش نرخ بهره، جهش سود اوراق قرضه، قوی‌تر شدن دلار و وارد آمدن فشار سنگین روی طلا و سهام.

اگر تورم پایین‌تر از انتظار باشد:

اگر در کنار اشتغال قوی، داده‌های تورمی نشاندهنده افت و آرام گرفتن سرعت رشد قیمت‌ها باشند، ضرورت اقدام فوری و انقباضی از روی دوش بانک مرکزی برداشته می‌شود.

پیامد: افت سود اوراق، نفس راحت کشیدن طلا و سهام فناوری مثل نزدک و احتمال عقب‌نشینی شاخص دلار.

فرق تورم کل با تورم خالص چیست؟

وقتی از تورم حرف می‌زنیم، باید حواسمان به یک تفاوت مهم باشد:

تورم کل (Headline CPI):

این شاخص تمام کالاها و خدمات را در بر می‌گیرد و به شدت تحت‌تأثیر نوسانات شدید قیمت انرژی (مثل نفت و بنزین) و مواد غذایی است. از آنجا که این اقلام مدام بالا و پایین می‌شوند، تورم کل گاهی تصویر گمره‌کننده‌ای از اقتصاد ارائه می‌دهد.

تورم خالص (Core CPI):

این شاخص اقلام پرنوسان انرژی و خوراکی را کنار می‌گذارد تا سیاست‌گذاران بتوانند ریشه اصلی، درونی و پایدار تورم (مثل هزینه‌های مسکن و خدمات) را به وضوح ببینند.

به همین دلیل است که حتی اگر نفت در بازار سقوط کند و تورم کل را پایین بیاورد، تا زمانی که تورم خالص (Core CPI) بالا باقی بماند، خیال فدرال رزرو از بابت کنترل تورم راحت نخواهد بود.

نگاه موند تایمز

پازل بزرگ بازارها؛ از اشتغال تا قیمت‌ها

یک معامله‌گر حرفه‌ای هیچ‌گاه آمار اشتغال (NFP)، داده‌های تورم (CPI) و تصمیمات نرخ بهره را جدا از هم بررسی نمی‌کند. مسیر حرکت بازار یک زنجیره پیوسته است:

اشتغال ← تورم ← انتظار از فدرال رزرو ← سود اوراق ← دلار ← طلا، ارز و سهام

یک خبر اقتصادی تنها زمانی برای معامله‌گری به کار می‌آید که بفهمیم چگونه قرار است توقعات بازار را درباره نرخ بهره تغییر دهد.



شوک ۶ درصدی؛ چرا نباید به مغز اعتماد کرد؟!



وقتی شاخص نزدک در یک جلسه معاملاتی بیش از ۶ درصد سقوط می‌کند، تصمیم‌گیری در روز بعد دیگر صرفاً یک مسئله تحلیلی نیست. مغز معامله‌گر تحت تأثیر آخرین و شدیدترین حرکت بازار قرار می‌گیرد و معمولاً یکی از این دو تله فکری را می‌بافد:

- ریزش تازه شروع شده؛ باید هر طور شده همین الان بفروشم.
- دیگر خیلی ریخته؛ حتماً باید برگردد و الان بهترین نقطه خرید است.

هر دو ایده می‌توانند حاصل یک خطای شناختی مشترک باشند: توجه بیش‌ازحد به آخرین رویداد.

بعد از تشکیل یک کندل بسیار بزرگ، ذهن ما به‌طور طبیعی انتظار دارد که یا همان روند با قدرت ادامه پیدا کند یا بازار فوراً به سمت مخالف برگردد؛ در حالی که بازار مالی هیچ تعهدی به هیچ‌کدام از این توقعات ندارد.

سه دام مرگبار پس از یک روز پرنوسان

۱. تعقیب قیمت:

وقتی بخش عمده‌ای از حرکت انجام شده، ترس از جا ماندن، باعث ورود دیرهنگام به معامله می‌شود. مشکل این نیست که روند ادامه پیدا نمی‌کند؛ مشکل این است که فاصله تا حد ضرر منطقی بسیار بزرگ‌تر شده و نسبت ریسک به ریوارد دیگر جذابیت اولیه را ندارد.

۲. خرید فقط به این دلیل: خیلی ریخته!

افت ۵ یا ۱۰ درصدی قیمت به‌تنهایی در بازار کف ایجاد نمی‌کند. بازار می‌تواند بسیار بیشتر از تصور ما در منطقه فروش هیجانی بماند و باز هم پایین‌تر برود. برای ورود خلاف جهت یا خرید در کف، حتماً باید نشانه‌ای از تغییر ساختار، کاهش شتاب حرکت یا پس‌گرفتن یک سطح کلیدی دیده شود.

۳. استفاده از حجم همیشگی در بازار غیرعادی:

وقتی نوسان‌پذیری بازار دو برابر می‌شود، حفظ همان حجم پوزیشن همیشگی، عملاً ریسک حساب شما را به شکل خطرناکی بالا می‌برد. اگر فاصله حد ضرر از ۱ درصد به ۲ درصد رسیده اما حجم معامله تغییری نکرده، ریسک واقعی سرمایه شما عملاً دو برابر شده است.

سه پرسش کلیدی قبل از معامله در روزهای پرنوسان

پیش از باز کردن هر پوزیشن جدید بعد از یک روز متلاطم، از خود بپرسید:

> آیا ستاپ معاملاتی من کاملاً مستقل از هیجان کندل دیروز معتبر است؟

> سطح قیمتی که سناریوی من را باطل می‌کند دقیقاً کجاست؟

> آیا حجم معامله‌ام را با نوسانات جدید بازار هماهنگ کرده‌ام؟

اگر پاسخ حتی یکی از این سؤال‌ها مبهم است، شما احتمالاً دارید به هیجان بازار واکنش نشان می‌دهید، نه به ستاپ شخصی خودتان.

نگاه موند تایمز

اندازه کندل، اندازه تصمیم شما را تعیین نمی‌کند! حرکت‌های بزرگ بازار دو پدیده را دقیقاً هم‌زمان خلق می‌کنند: فرصت‌های بیشتر و خطاهای بزرگ‌تر.

پس از یک روز غیرعادی، مزیت رقابتی یک تریدر حرفه‌ای لزوماً در پیش‌بینی دقیق جهت حرکت بعدی نیست؛ گاهی بزرگ‌ترین مزیت واقعی در این است که اجازه ندهد اندازه بزرگ کندل‌های روی چارت، اندازه تصمیم‌گیری او را دستکاری کند.

هوش مصنوعی روی ریل بدهی



داستان هوش مصنوعی (AI) دیگر صرفاً درباره خرید پردازنده‌های انویدیا (Nvidia)، غول‌های فناوری و رشد چشمگیر درآمدهای فصلی نیست.

مرحله بعدی این موج بزرگ وارد فازی شده که پاسخی برای یک پرسش کاملاً مالی می‌طلبد:

این حجم عظیم از زیرساخت‌ها دقیقاً با چه پولی تامین مالی می‌شود؟

مؤسسه اعتبارپذیری S&P Global برآورد کرده است که شش مقیاس‌پذیر بزرگ (Hyperscaler) بین سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ بیش از ۷ تریلیون دلار صرف توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی خواهند کرد؛ رویدادی که جریان نقدینگی آزاد آن‌ها را حداقل تا سال آینده تحت فشار شدیدی قرار می‌دهد.

تنها یک نمونه کافی است تا ابعاد این تغییر مسیر را نشان دهد:

بانک‌های بزرگ بارکلیز، سیتی، مورگان استنلی و مجموعه بلک‌استون برای خرید تراشه‌ها و تجهیزات برودکام توسط شرکت آنتروپیک، یک بسته تأمین مالی ۶۳ میلیارد دلاری آماده کرده‌اند؛ یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای بدهی مرتبط با AI در تاریخ که حدود ۴۳.۵ میلیارد دلار آن را بدهی ارشد تشکیل می‌دهد.

در بازار بدهی نیز نشانه‌های فشار به چشم می‌خورد. هزینه بیمه نکول بدهی‌های سافت‌بنک طی موج فروش اخیر به بالاترین سطح چهار ساله خود رسید که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران ریسک اعتباری شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی را بسیار جدی‌تر از قبل ارزیابی می‌کنند.

با این حال، کمیته مشورتی استقراض خزانه‌داری آمریکا (TBAC) اعلام کرده هنوز شواهدی مبنی بر این‌که انتشار سنگین اوراق بدهی شرکت‌های فناوری باعث کنار زده شدن تقاضا برای اوراق خزانه‌داری شده باشد وجود ندارد؛ بلکه اثر فعلی بیشتر از مسیر نرخ‌های بهره، رشد کلی اقتصاد و رقابت بر سر جذب سرمایه‌های بلند مدت نمایان است.

تکامل سه مرحله‌ای معاملات هوش مصنوعی (AI Trade)

مرحله اول: تامین تراشه و پردازنده‌های گرافیکی

مرحله دوم: توسعه و احداث دیتاسنترها

مرحله سوم: تامین مالی و مدیریت بدهی

از این نقطه به بعد، معامله‌گر و سرمایه‌گذار هوشمند صرفاً نمی‌پرسد کدام شرکت بیشترین سهم یا درگیری را با هوش مصنوعی دارد؛

بلکه پرسش بنیادی این است: چه کسی می‌تواند هزینه‌های این زیرساخت را بدون نابود کردن صورت‌های مالی خود تامین کند؟

نگاه موند تایمز

موج صعودی هوش مصنوعی هنوز با کمبود تقاضا روبه‌رو نشده، بلکه مستقیماً با هزینه سنگین سرمایه دست‌وپنجه نرم می‌کند.

در صورتی که نرخ‌های بهره در سطوح بالا باقی بمانند، مرز میان شرکتی که هزینه‌های هوش مصنوعی خود را از جریان نقدینگی عملیاتی تامین می‌کند با شرکتی که به بدهی‌های سنگین وابسته است، به یکی از حیاتی‌ترین معیارهای ارزش‌گذاری در وال‌استریت تبدیل خواهد شد.

WebTrader؛ وقتی فقط یک مرورگر برای معامله کافی است

همه معاملات لزوماً از پشت سیستم شخصی یا دسکتاپ اصلی انجام نمی‌شوند. گاهی معامله‌گر به سیستم خود دسترسی ندارد، امکان نصب پلتفرم فراهم نیست یا صرفاً می‌خواهد در کسری از ثانیه وضعیت یک پوزیشن باز را بررسی و مدیریت کند.

اینجاست که وب‌تریدر MondFx، به کمک معامله‌گر می‌آید؛ ابزاری که مستقیماً در مرورگر وب اجرا می‌شود و برای استفاده از آن نیازی به دانلود، نصب یا به‌روزرسانی هیچ نرم‌افزاری نیست. کاربران می‌توانند از طریق هر رایانه، تبلت یا تلفن همراهی به حساب معاملاتی خود متصل شده و قیمت‌های لحظه‌ای، نمودارها و سفارش‌های خود را مدیریت کنند.

چه زمانی وب‌تریدر بیشترین کارایی را دارد؟

دسترسی اضطراری به حساب: اگر به هر دلیلی سیستم اصلی یا پلتفرم نصب‌شده در دسترس نباشد، وب‌تریدینگ به‌عنوان یک ترمینال جایگزینِ سریع وارد عمل می‌شود.

بررسی سریع پوزیشن‌ها: برای رصد معاملات باز، کنترل وضعیت موجودی حساب یا ثبت یک سفارش فوری، نیازی به راه‌اندازی کامل MT۵ یا cTrader نیست.

انعطاف‌پذیری روی دستگاه‌های مختلف: از آنجا که پلتفرم کاملاً مبتنی بر وب و مرورگر است، روی هر دستگاهی بدون وابستگی به نصب مجدد نرم‌افزار قابل‌اجراست.

مرز میان سادگی و محدودیت

سادگی و سرعتِ اجرای وب‌تریدر مزیت اصلی آن است، اما همین ویژگی محدودیت‌هایی را نیز به همراه دارد:

در مقایسه با پلتفرم‌های دسکتاپ مانند متاتریدر ۵ یا سی‌تریدر، امکانات تحلیل تکنیکال و ابزارهای چارتینگ محدودتر بوده و از ربات‌های معامله‌گر، بک تست و سیستم‌های معاملاتی الگوریتمی پشتیبانی نمی‌کند. بنابراین، برای تحلیل‌های عمیق یا اجرای استراتژی‌های خودکار، پلتفرم‌های دسکتاپ همچنان انتخاب اول و کامل‌تری خواهند بود.

نگاه موندتایمز

شاید داشتن یک ترمینال جایگزین در شرایط عادی و آرام بازار اهمیت چندانی نداشته باشد؛ اما هنگامی که بازار دچار نوسانات شدید می‌شود یا یک پوزیشن بازِ حساس دارید، دسترسی سریع و بدون دردسر به حساب معاملاتی، خودش بخش مهمی از مدیریت ریسک است.

پلتفرم معاملاتی خود را انتخاب کنید

هفته‌ای که تورم دوباره فرمان را می‌گیرد

پس از انتشار گزارش قدرتمند اشتغال بخش غیرکشاورزی (NFP) در ماه اکتبر، تمرکز بازارها در هفته جدید به طور مستقیم به داده‌های تورمی معطوف می‌شود. شاخص قیمت مصرف‌کننده در روز سه‌شنبه و شاخص قیمت تولیدکننده در روز جمعه مشخص خواهند کرد که آیا ترکیب بازار کار مقاوم و تورم چسبنده برای اتخاذ یک تصمیم انقباضی دیگر توسط فدرال رزرو در دسامبر کافی است یا خیر.

مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی هفته

تاریخ	ساعت (تهران)	ارز	رویداد	پیش‌بینی	قبلی
سه‌شنبه ۱۰ نوامبر	۱۷:۰۰	دلار آمریکا	شاخص قیمت مصرف‌کننده خالص (ماهانه)	۰.۲٪	۰.۳٪
سه‌شنبه ۱۰ نوامبر	۱۷:۰۰	دلار آمریکا	شاخص قیمت مصرف‌کننده کل (ماهانه)	۰.۳٪	۰.۶٪
پنج‌شنبه ۱۲ نوامبر	۱۰:۳۰	پوند بریتانیا	تولید ناخالص داخلی (ماهانه)	۰.۰٪	۰.۱٪
جمعه ۱۳ نوامبر	۱۷:۰۰	دلار آمریکا	شاخص قیمت تولیدکننده خالص (ماهانه)	۰.۳٪	۰.۷٪
جمعه ۱۳ نوامبر	۱۷:۰۰	دلار آمریکا	شاخص قیمت تولیدکننده کل (ماهانه)	۰.۴٪	۱.۳٪

کالبدشکافی روزهای کلیدی هفته

سه‌شنبه: شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا

مهم‌ترین رویداد داده‌ای هفته. پیش‌بینی بازار برای تورم خالص ماهانه ۰.۲ درصد و برای تورم کل ۰.۳ درصد است که هر دو کمتر از ماه گذشته محسوب می‌شوند. از این رو، سؤال اصلی بازار تداوم بالا بودن تورم نیست، بلکه کاهش شتاب ماهانه آن است. پس از گزارش اشتغال اکتبر با ۱۶۵ هزار شغل جدید، شانس بالایی برای افزایش نرخ بهره در دسامبر قیمت‌گذاری شده است؛ انتشار تورمی بالاتر از انتظار می‌تواند قیمت‌گذاری‌های انقباضی را تقویت کرده و بار دیگر فشار عرضه را بر سهام فناوری، طلا و سایر ارزها افزایش دهد.

چهارشنبه: افت نقدشوندگی در بازارها

روز ۱۱ نوامبر به مناسبت روز کهنه‌سربازان در آمریکا، اگرچه بازار سهام نیویورک فعال است، اما معاملات اوراق قرضه دلاری تعطیل خواهد بود. از این رو، بازار اوراق خزانه‌داری با افت شدید نقدشوندگی مواجه می‌شود که این امر می‌تواند حرکت‌ها در بازار ارز و طلا را در برخی ساعات نامنظم کند.

پنج‌شنبه: تولید ناخالص داخلی بریتانیا

آمار تولید ناخالص داخلی ماه سپتامبر بریتانیا ساعت ۱۰:۳۰ به وقت تهران منتشر می‌شود. پیش‌بینی فعلی صفر درصد در برابر ۰.۱ درصد قبلی است. این داده تنها چند روز پس از افزایش نرخ بهره بانک مرکزی انگلستان به ۴.۰۰ درصد عرضه می‌شود و نشان خواهد داد که اقتصاد این کشور تا چه اندازه توان تحمل سیاست پولی سخت‌گیرانه‌تر را دارد.

جمعه: شاخص قیمت تولیدکننده آمریکا

هفته با دومین آزمون تورمی آمریکا پایان می‌یابد. بازار پس از جهش ماه قبل، انتظار کاهش محسوس در فشار قیمت‌های سمت تولیدکننده را دارد. اگر تورم مصرف‌کننده در روز سه‌شنبه داغ باشد و تورم تولیدکننده در روز جمعه نیز کاهش نیابد، معادله تصمیم‌گیری برای فدرال رزرو پیچیده‌تر خواهد شد.

رویداد محوری هفته

شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا

گزارش اشتغال نشان داد که بازار کار همچنان مقاوم است. اکنون داده‌های تورمی باید شفاف کنند که آیا فدرال رزرو با اقتصادی قوی در کنار تورم رو به افول مواجه است، یا با اقتصادی که همچنان گنجایش یک مرحله دیگر از افزایش نرخ بهره را دارد.

متغیرهای خارج از تقویم رسمی

در کنار داده‌های رسمی اقتصادی، سه عامل ژئوپلیتیک و بنیادی می‌توانند در هر لحظه مسیر بازارها را دستخوش تغییر کنند:

۱. تحولات روابط ایران و آمریکا و پیامدهای آن بر قیمت نفت

۲. تداوم نوسانات در سهام فناوری و پروژه‌های هوش مصنوعی

۳. مواضع و سخنرانی‌های مقامات فدرال رزرو

سه سناریویی که باید زیر نظر داشت

بازار هفته جدید را از یک نقطه عطف کلیدی آغاز می‌کند: گزارش اشتغال بسیار قوی بوده، احتمال اتخاذ تصمیمات انقباضی توسط فدرال رزرو بالاست، سهام فناوری شکننده است، طلا بار دیگر به بالای سطح چهار هزار دلار بازگشته و نفت پس از افت شدید همچنان تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیک قرار دارد. بنابراین، انتشار شاخص قیمت مصرف‌کننده در روز سه‌شنبه می‌تواند تمام این معادلات و قیمت‌گذاری‌ها را بازنشانی کند.

سناریوی نخست:

تورم (CPI) داغ‌تر از انتظارات

عوامل فعال‌ساز:

ثبت تورم خالص ماهانه (Core CPI) بالاتر از ۰.۲ درصد (به‌ویژه عدد ۰.۳ درصد یا بیشتر) در کنار انتشار تورم کل (CPI) بالاتر از پیش‌بینی ۰.۳ درصدی.

در این حالت، داده‌های اشتغال (NFP) هفته گذشته دیگر یک رویداد منفرد نخواهد بود؛ بلکه بازار با ترکیب خطرناک بازار کار قدرتمند، رشد دستمزدها و تورم چسبنده مواجه می‌شود.

واکنش احتمالی بازار:

فدرال رزرو:	جهش احتمال افزایش نرخ بهره در نشست دسامبر
بازده اوراق خزانه‌داری ده‌ساله:	صعودی
شاخص دلار:	صعودی
ارزهای یورو و پوند:	زیر فشار نزولی
شاخص نزدک و سهام:	تحت فشار فروش بیشتر
طلا:	فشار اولیه ناشی از تقویت دلار و بازده اوراق
دلار به ین (USD/JPY):	احتمال حرکت صعودی، مگر آنکه ریسک‌گریزی شدید تقاضا برای ین را به عنوان دارایی امن افزایش دهد.

(نکته کلیدی درباره طلا: اگر تورم بالا هم‌زمان نگرانی‌ها درباره ثبات مالی و شکنندگی سهام را تشدید کند، تقاضا برای پناهگاه امن می‌تواند فشار نرخ بهره را خنثی کند؛ بنابراین واکنش طلا الزاماً خطی نخواهد بود).

تایید نهایی: انتشار شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) بالاتر از انتظار در روز جمعه می‌تواند به قیمت‌گذاری‌های سخت‌گیرانه (انقباضی) اعتبار کامل ببخشد.

سناریوی دوم:

تورم (CPI) مطابق انتظارات و ورود بازار به فاز انفعال

داده‌های احتمالی:

تورم خالص (Core CPI) حدود ۰.۲ درصد و تورم کل (CPI) حدود ۰.۳ درصد.

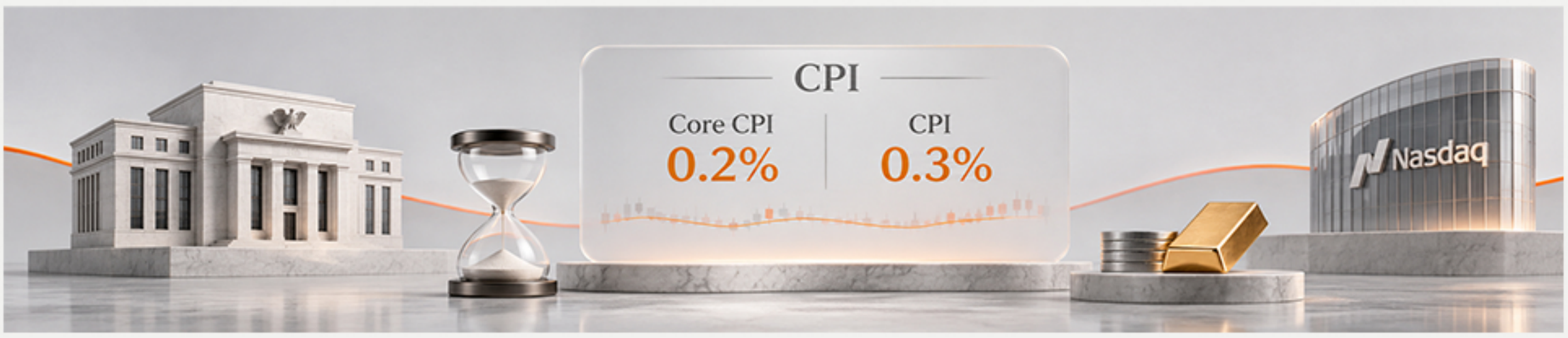
این نتیجه نه نگرانی‌های تورمی را کاملاً از بین می‌برد و نه افزایش نرخ بهره در دسامبر را قطعی می‌سازد. بازار احتمالاً پس از اشتغال قوی همچنان سناریوی انقباضی را زنده نگه می‌دارد، اما فضای کافی برای یک قیمت‌گذاری مجدد بزرگ شکل نمی‌گیرد.

واکنش احتمالی بازار:

شاخص دلار و بازده اوراق قرضه:	نوسانات محدودتر
طلا:	احتمال حفظ ساختار صعودی و روند بازیابی
شاخص نزدک:	فرصتی برای تثبیت پس از موج فروش سنگین
یورو به دلار (EUR/USD):	بیشتر تابع شکاف سیاستی میان فدرال رزرو و بانک مرکزی اروپا (ECB)
پوند بریتانیا (GBP):	انتقال توجه معامله‌گران به آمار تولید ناخالص داخلی روز پنج‌شنبه

در این سناریو، تمرکز بازار به متغیرهای پیرامونی معطوف می‌شود: گزارش‌های مالی و تأمین مالی شرکت‌های هوش مصنوعی (AI)، اخبار مرتبط با روابط ایران و آمریکا، قیمت نفت و مواضع مقامات فدرال رزرو.

این کم‌هیجان‌ترین سناریو از نگاه رسانه‌ای است، اما برای معامله‌گران اهمیت بالایی دارد؛ چرا که مشخص می‌کند آیا نوسانات هفته گذشته یک روند پایدار بوده‌اند یا صرفاً تعدیل موقعیت‌های معاملاتی.



سناریوی سوم:

کاهش واضح‌تر تورم (CPI)

عوامل فعال‌ساز:

ثبت تورم خالص ماهانه (Core CPI) در محدوده ۰.۱ درصد یا کمتر، و تورم کل (CPI) پایین‌تر از پیش‌بینی ۰.۳ درصدی.

این نتیجه به‌طور مستقیم فرض‌های سخت‌گیرانه شکل‌گرفته پس از گزارش اشتغال (NFP) را به چالش می‌کشد.

واکنش احتمالی بازار:

احتمال نرخ بهره دسامبر:	نزولی
بازده اوراق خزانه‌داری:	نزولی
شاخص دلار (USD):	نزولی
طلا:	صعودی
شاخص نزدک و سهام:	باز شدن فضا برای رشد و بازیابی
ارزهای یورو و پوند:	برخورداری از حمایت
دلار به ین (USD/JPY):	تحت فشار نزولی

این سناریو برای طلا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تثبیت فلز زرد بالای سطوح کلیدی تکنیکال در ترکیب با افت بازده اوراق و ضعف دلار می‌تواند روند صعودی هفته گذشته را تداوم بخشد.

با این وجود، برای سهام فناوری یک تورم ضعیف به‌تنهایی چالش‌های هوش مصنوعی را حل نمی‌کند؛ مسائلی نظیر هزینه‌های سرمایه‌ای، تامین مالی، دیتاسنترها و نرخ بازگشت سرمایه (ROI) همچنان پابرجا هستند. بنابراین شاخص نزدک ممکن است رالی صعودی ثبت کند، اما رهبری داخلی بازار همچنان در اختیار سهام ارزشی و شاخص داوجونز باقی می‌ماند.

متغیر دوم: تولید ناخالص داخلی بریتانیا (GDP)

رشد مثبت (بهتر از صفر درصد):

اگر اقتصاد بریتانیا دوباره رشد نشان دهد، بازار می‌تواند افزایش اخیر نرخ بهره توسط بانک مرکزی انگلستان (BoE) را قابل‌تحمل‌تر ارزیابی کند که به حمایت از پوند، رشد احتمالی بازده اوراق بریتانیا و فشار نزولی بر جفت‌ارز یورو به پوند (EUR/GBP) می‌انجامد.

رشد منفی:

یک عدد منفی بلافاصله این پرسش دشوار را مطرح می‌کند: آیا بانک مرکزی در حال افزایش نرخ بهره در اقتصادی است که شتاب رشد خود را از دست داده است؟ این ترکیب می‌تواند پوند را به شدت آسیب‌پذیر کند، به‌ویژه اگر تورم آمریکا هم‌زمان دلار را تقویت کرده باشد.

متغیر سوم: نقش تاییدی شاخص قیمت تولیدکننده (PPI)

گزارش قیمت تولیدکننده (PPI) در روز جمعه نقش داده تأییدی را ایفا می‌کند:

تورم مصرف‌کننده (CPI) بالا + تورم تولیدکننده (PPI) بالا

← قوی‌ترین سناریوی انقباضی برای فدرال رزرو

تورم مصرف‌کننده (CPI) پایین + تورم تولیدکننده (PPI) پایین

← جدی‌ترین چالش برای افزایش نرخ بهره دسامبر

داده‌های متناقض

← افزایش نوسانات و وابستگی شدید بازار به سخنان مقامات فدرال رزرو و داده‌های بعدی



ریسک خارج از مدل: نفت و ژئوپلیتیک

حتی دقیق‌ترین مدل‌های تورمی نیز نمی‌توانند اخبار سیاسی لحظه‌ای را پیش‌بینی کنند. قیمت نفت برنت هفته گذشته افت سنگینی (حدود ۱۷ درصد) را ثبت کرد، اما ریسک درگیری‌های منطقه‌ای به‌طور کامل از بین نرفته است. هرگونه تنش تازه می‌تواند بهای انرژی را بالا برده و انتظارات تورمی را که قرار بود با داده‌های ضعیف آرام شوند، مجدداً زنده کند. رویترز نیز نفت و تنش‌های ژئوپلیتیک را یکی از ریسک‌های اصلی هفته پیش رو می‌داند.

نگاه موندتایمز

سناریوی اصلی هفته نباید بر پایه حدس عدد دقیق شاخص قیمت مصرف‌کننده شکل بگیرد. پرسش کاربردی‌تر این است:

اگر داده‌های تورمی با انتظارات بازار فاصله داشت، کدام بازار باید در گام نخست واکنش نشان دهد؟

برای این هفته ترتیب ارزیابی ما برای رصد بازار شامل این زنجیره است:

بازده اوراق خزانه‌داری ← شاخص دلار ← طلا ← شاخص نزدک ← بازار ارز

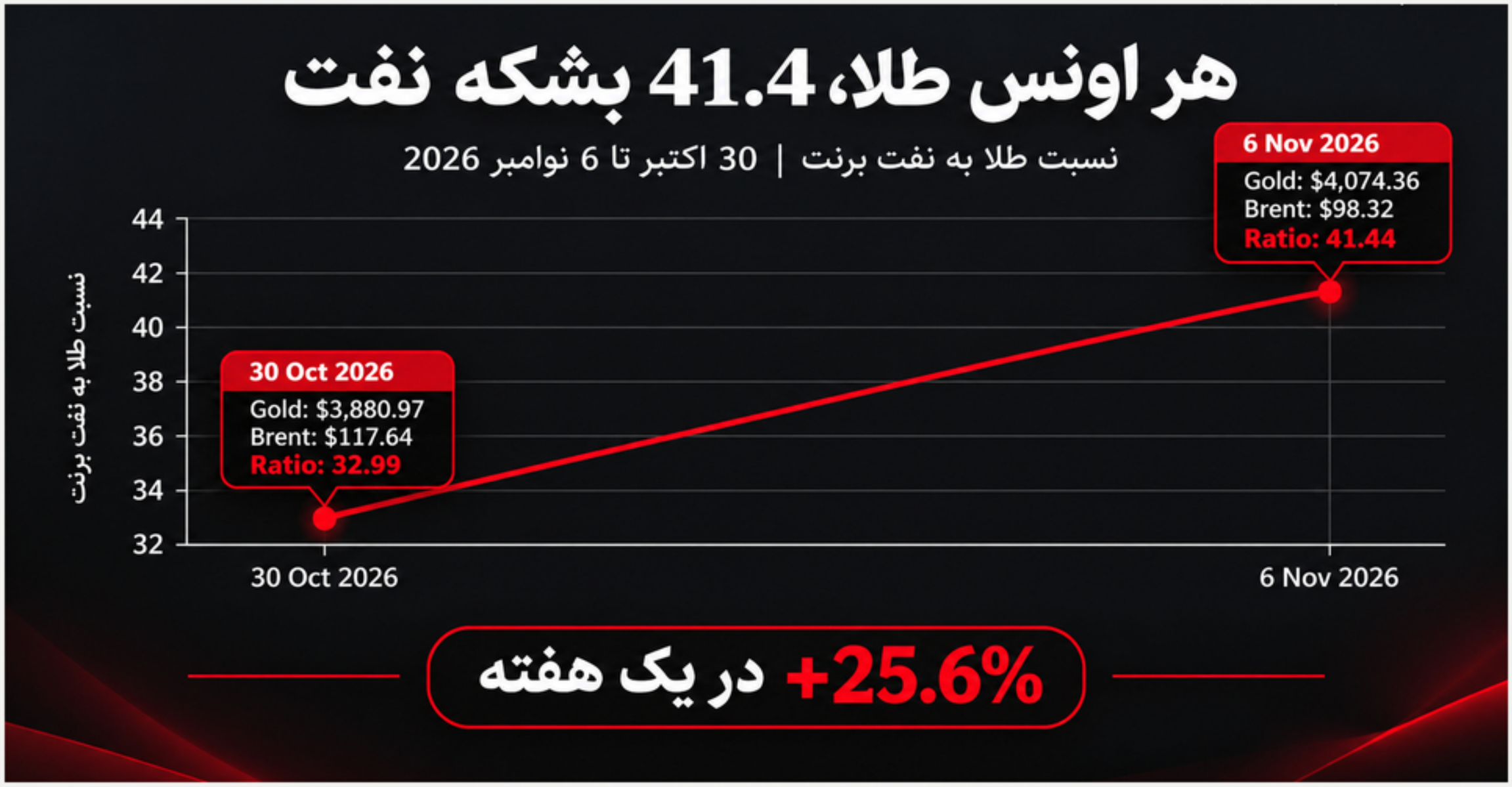
اگر این بازارها سیگنال‌های یکسانی صادر نکنند، عاقلانه‌تر آن است که پیش از تعقیب نخستین حرکت قیمت، منتظر مشخص شدن روایت غالب بازار بمانیم.



واگرایی تاریخی طلا و نفت؛ روایت یک نابرابری

اگر قرار باشد تنها یک نمودار، تغییرات تماشایی هفته گذشته را در یک نگاه خلاصه کند، بدون شک نسبت طلا به نفت برنت (Gold/Brent Ratio) بهترین انتخاب است.

این نسبت نشان می‌دهد که با ارزش واقعی یک اونس طلا، در لحظه چند بشکه نفت خام برنت می‌توان خریداری کرد.



پایان هفته قبل: طلا در محدوده ۳,۸۷۵ دلار و نفت برنت حوالی ۱۱۸ دلار معامله می‌شدند که نسبت این دو برابر با حدود ۳۳ بشکه بود.

پایان روز جمعه: طلا به ۴,۰۷۴ دلار رسید و نفت برنت تا ۹۸.۳۲ دلار سقوط کرد؛ در نتیجه این نسبت به ۴۱.۴ بشکه جهش کرد.

به زبان ساده: نسبت طلا به نفت طی تنها یک هفته، نزدیک به ۲۷ درصد جهش یافت.

این نسبت از چه روایتی در اقتصاد کلان پرده برمی‌دارد؟

طلا: +۵.۲٪ (حمایت‌شده از افت اولیه دلار، کاهش بازده اوراق و تقاضای پناهگاه امن)

نفت برنت: حدود -۱۷٪ (تخلیه سریع پریمیوم جنگی و افزایش فشار عرضه)

این واگرایی کم‌نظیر، تمام داستان کلان هفته را تنها در یک پیام کوتاه خلاصه می‌کند:

جهش تقاضا برای دارایی‌های دفاعی ↑ | افت شدید پریمیوم ریسک انرژی ↓

چرا نسبت Gold/Oil برای معامله‌گران حیاتی است؟

صعود سریع این نسبت معمولاً نشان‌دهنده افزایش ارزش نسبی دارایی‌های امن و دفاعی در برابر کالاها و انرژی چرخه‌ای است.

البته نباید این عدد را به تنهایی سیگنالی مستقیم برای رکود یا معامله خرید و فروش دانست؛ چرا که محرک اصلی حرکت هفته گذشته، ترکیب خاصی از تحولات ژئوپلیتیک، ساختار عرضه نفت و تغییرات شتابان انتظارات نرخ بهره بود.

نگاه موند تایمز

گاهی برای درک عمیق رفتار بازار، نیازی به بررسی ده‌ها نمودار پیچیده و جداگانه نیست.

در هفته‌ای که گذشت، این نسبت ساده به شفاف‌ترین شکل ممکن نشان داد که جریان سرمایه چگونه هم‌زمان به سمت خرید طلا حرکت کرد و در سمت مقابل، به شدت از بازار نفت خارج شد.

MondFx

فراتر از یک بروکر

ساخته شده برای تریدرهای واقعی